# ۷ دانه برنج « چه بچه‌های گرسنه‌ای امروز جلوی خانه‌ام می‌آیند »

**۱۸ زمستان ۳ دسامبر در هندوستان و افغانستان شدند برنج ۷ دانه برنج، داستان یک مادر بیوه که با پخش برنج پخته در کابل، صدها کودک گرسنه را از مرگ در سرما نجات داد**

نویسنده: مهتاب نورزاد

کابل – ۱۸ زمستان ۱۴۰۱ – ۳ دسامبر ۲۰۲۲: در حالی که دمای هوا در کابل به ۶ درجه سانتی‌گراد رسیده و برف نخستین کوه‌های اطراف شهر را پوشانده است، صدها کودک بدون کفش، با پتوهای پاره و شکم‌های خالی در صف نانوایی‌ها ایستاده‌اند. در میان این صف، زنی ۶۲ ساله با چادر آبی و دستکش پاره ایستاده است. او هر روز ۷ دانه برنج را در دیگ بزرگ می‌پزد و به هر کودک یک قاشق برنج پخته می‌دهد. این زن می‌گوید نام او در شناسنامه «بی‌بی گل‌اندام» است و همسایه‌ها او را «مادر برنج» صدا می‌زنند.

بی‌بی گل‌اندام ۶۲ سال دارد و بیوه است. شوهرش در جنگ ۱۳۶۸ کشته شد و او با فروش النگوهای طلایش توانست یک اتاق گلی در حاشیه شهر بخرد. او می‌گوید: «من سواد ندارم، اما می‌دانم گرسنگی چه می‌کند. دخترم در ۱۳۷۱ در راه مدرسه از سرما بیهوش شد و دیگر برنگشت. من قسم خوردم که هیچ مادری نباید بداند که بچه‌اش از سرما می‌میرد.» او ۷ دانه برنج را در دیگ می‌ریزد و آب را تا سه بار عوض می‌کند تا برنج نرم شود. سپس با کفگیر چوبی به هر کودک یک قاشق می‌دهد و دستش را روی سر هر بچه می‌کشد و دعا می‌خواند.

این کار از ساعت ۶ صبح آغاز می‌شود و تا ساعت ۱۰ ادامه دارد. در این ساعات، بیش از ۴۲۰ کودک در صف ایستاده‌اند. برخی با کفش پلاستیکی، برخی با پای برهنه و برخی با پتوهای نظامی که روی شانه انداخته‌اند. یک پزشک محلی گفته است که بسیاری از این کودکان اگر این برنج را نخورند تا شب به سختی می‌رسند. او می‌گوید: «ما در بیمارستان هر روز ۳ کودک را می‌بینیم که از سرما و گرسنگی مرده‌اند. این زن با ۷ دانه برنج کاری می‌کند که ما با دارو نمی‌توانیم.» این پزشک نام خود را فاش نکرد زیرا می‌ترسد از کار اخراج شود.

هزینه این کار بسیار اندک است. بی‌بی گل‌اندام می‌گوید ماهانه حدود ۱۲ کیلو برنج، ۳ کیلو روغن و مقدار کمی نمک و ادویه لازم است. او این مواد را از پول فروش النگوهایش و کمک‌های همسایه‌ها تأمین می‌کند. یک همسایه که معلم است داوطلبانه حساب‌ها را می‌نویسد و هر ماه گزارشی کوتاه از تعداد کودکان و مصرف برنج می‌نویسد. این گزارش اکنون در یک پوشه قطور نگهداری می‌شود و شامل نام، سن و آدرس کودکان است.

اداره امور شهر کابل اعلام کرده است که از ماه بعد این کار را با کمک شهرداری ادامه خواهد داد و ۲ دیگ بزرگ برنج در دو نقطه دیگر شهر نیز راه‌اندازی خواهد شد. اما بی‌بی گل‌اندام می‌گوید او نمی‌خواهد کار از دستش گرفته شود و می‌ترسد اگر مسئولان کار را بگیرند، کودکان دوباره گرسنه بمانند. او پیشنهاد کرد که دولت به جای گرفتن کار، به او ۱۰ کیلو برنج و ۲ دیگ بدهد تا خودش ادامه دهد. این پیشنهاد هنوز پاسخ نگرفته است.

در روستای چنار سفید، ۴۷ کیلومتر شرق کابل، زنان روستا از سال ۱۳۹۸ هر صبح یک دیگ بزرگ برنج می‌پزند و به هر کودک یک قاشق می‌دهند. امسال این کار به ۳ دیگ رسیده است. در روز ۳ دسامبر ۲۰۲۲، ۴۱۲ کودک در صف ایستادند. یک معلم محلی گفت که بسیاری از این کودکان اگر این برنج را نخورند تا شب به سختی می‌رسند. او گفت: «ما در بیمارستان هر روز ۳ کودک را می‌بینیم که از سرما و گرسنگی مرده‌اند. این زن با ۷ دانه برنج کاری می‌کند که ما با دارو نمی‌توانیم.» این پزشک نام خود را فاش نکرد زیرا می‌ترسد از کار اخراج شود.

هزینه این کار بسیار اندک است. بی‌بی گل‌اندام می‌گوید ماهانه حدود ۱۲ کیلو برنج، ۳ کیلو روغن و مقدار کمی نمک و ادویه لازم است. او این مواد را از پول فروش النگوهایش و کمک‌های همسایه‌ها تأمین می‌کند. یک همسایه که معلم است داوطلبانه حساب‌ها را می‌نویسد و هر ماه گزارشی کوتاه از تعداد کودکان و مصرف برنج می‌نویسد. این گزارش اکنون در یک پوشه قطور نگهداری می‌شود و شامل نام، سن و آدرس کودکان است.

اداره امور شهر کابل اعلام کرده است که از ماه بعد این کار را با کمک شهرداری ادامه خواهد داد و ۲ دیگ بزرگ برنج در دو نقطه دیگر شهر نیز راه‌اندازی خواهد شد. اما بی‌بی گل‌اندام می‌گوید او نمی‌خواهد کار از دستش گرفته شود و می‌ترسد اگر مسئولان کار را بگیرند، کودکان دوباره گرسنه بمانند. او پیشنهاد کرد که دولت به جای گرفتن کار، به او ۱۰ کیلو برنج و ۲ دیگ بدهد تا خودش ادامه دهد. این پیشنهاد هنوز پاسخ نگرفته است.

( ادامه مطلب در صفحهٔ ۱۸ )

## ۷ دانه برنج و مادر بیوه که صدها کودک گرسنه را از سرما نجات داد

**۱۸ زمستان ۳ دسامبر در هندوستان و افغانستان شدند برنج ۷ دانه برنج، داستان یک مادر بیوه که با پخش برنج پخته در کابل، صدها کودک گرسنه را از مرگ در سرما نجات داد**

نویسنده: مهتاب نورزاد

کابل – ۱۸ زمستان ۱۴۰۱ – ۳ دسامبر ۲۰۲۲: در حالی که دمای هوا در کابل به ۶ درجه سانتی‌گراد رسیده و برف نخستین کوه‌های اطراف شهر را پوشانده است، صدها کودک گرسنه در صف نانوایی‌ها ایستاده‌اند. در میان این صف، زنی ۶۲ ساله با چادر آبی و دستکش پاره ایستاده است. او هر روز ۷ دانه برنج را در دیگ بزرگ می‌پزد و به هر کودک یک قاشق برنج پخته می‌دهد. این زن می‌گوید نام او در شناسنامه «بی‌بی گل‌اندام» است و همسایه‌ها او را «مادر برنج» صدا می‌زنند.

بی‌بی گل‌اندام ۶۲ سال دارد و بیوه است. شوهرش در جنگ ۱۳۶۸ کشته شد و او با فروش النگوهای طلایش توانست یک اتاق گلی در حاشیه شهر بخرد. او می‌گوید: «من سواد ندارم، اما می‌دانم گرسنگی چه می‌کند. دخترم در ۱۳۷۱ در راه مدرسه از سرما بیهوش شد و دیگر برنگشت. من قسم خوردم که هیچ مادری نباید بداند که بچه‌اش از سرما می‌میرد.» او ۷ دانه برنج را در دیگ می‌ریزد و آب را تا سه بار عوض می‌کند تا برنج نرم شود. سپس با کفگیر چوبی به هر کودک یک قاشق می‌دهد و دستش را روی سر هر بچه می‌کشد و دعا می‌خواند.

این کار از ساعت ۶ صبح آغاز می‌شود و تا ساعت ۱۰ ادامه دارد. در این ساعات، بیش از ۴۲۰ کودک در صف ایستاده‌اند. برخی با کفش پلاستیکی، برخی با پای برهنه و برخی با پتوهای نظامی که روی شانه انداخته‌اند. یک پزشک محلی گفته است که بسیاری از این کودکان اگر این برنج را نخورند تا شب به سختی می‌رسند. او می‌گوید: «ما در بیمارستان هر روز ۳ کودک را می‌بینیم که از سرما و گرسنگی مرده‌اند. این زن با ۷ دانه برنج کاری می‌کند که ما با دارو نمی‌توانیم.» این پزشک نام خود را فاش نکرد زیرا می‌ترسد از کار اخراج شود.

هزینه این کار بسیار اندک است. بی‌بی گل‌اندام می‌گوید ماهانه حدود ۱۲ کیلو برنج، ۳ کیلو روغن و مقدار کمی نمک و ادویه لازم است. او این مواد را از پول فروش النگوهایش و کمک‌های همسایه‌ها تأمین می‌کند. یک همسایه که معلم است داوطلبانه حساب‌ها را می‌نویسد و هر ماه گزارشی کوتاه از تعداد کودکان و مصرف برنج می‌نویسد. این گزارش اکنون در یک پوشه قطور نگهداری می‌شود و شامل نام، سن و آدرس کودکان است.

اداره امور شهر کابل اعلام کرده است که از ماه بعد این کار را با کمک شهرداری ادامه خواهد داد و ۲ دیگ بزرگ برنج در دو نقطه دیگر شهر نیز راه‌اندازی خواهد شد. اما بی‌بی گل‌اندام می‌گوید او نمی‌خواهد کار از دستش گرفته شود و می‌ترسد اگر مسئولان کار را بگیرند، کودکان دوباره گرسنه بمانند. او پیشنهاد کرد که دولت به جای گرفتن کار، به او ۱۰ کیلو برنج و ۲ دیگ بدهد تا خودش ادامه دهد. این پیشنهاد هنوز پاسخ نگرفته است.

( ادامه مطلب در صفحهٔ ۱۸ )

## ۷ دانه برنج و مادر بیوه که صدها کودک گرسنه را از سرما نجات داد

**۱۸ زمستان ۳ دسامبر در هندوستان و افغانستان شدند برنج ۷ دانه برنج، داستان یک مادر بیوه که با پخش برنج پخته در کابل، صدها کودک گرسنه را از مرگ در سرما نجات داد**

نویسنده: مهتاب نورزاد

کابل – ۱۸ زمستان ۱۴۰۱ – ۳ دسامبر ۲۰۲۲: در حالی که دمای هوا در کابل به ۶ درجه سانتی‌گراد رسیده و برف نخستین کوه‌های اطراف شهر را پوشانده است، صدها کودک گرسنه در صف نانوایی‌ها ایستاده‌اند. در میان این صف، زنی ۶۲ ساله با چادر آبی و دستکش پاره ایستاده است. او هر روز ۷ دانه برنج را در دیگ بزرگ می‌پزد و به هر کودک یک قاشق برنج پخته می‌دهد. این زن می‌گوید نام او در شناسنامه «بی‌بی گل‌اندام» است و همسایه‌ها او را «مادر برنج» صدا می‌زنند.

بی‌بی گل‌اندام ۶۲ سال دارد و بیوه است. شوهرش در جنگ ۱۳۶۸ کشته شد و او با فروش النگوهایش توانست یک اتاق گلی در حاشیه شهر بخرد. او می‌گوید: «من سواد ندارم، اما می‌دانم گرسنگی چه می‌کند. دخترم در ۱۳۷۱ در راه مدرسه از سرما بیهوش شد و دیگر برنگشت. من قسم خوردم که هیچ مادری نباید بداند که بچه‌اش از سرما می‌میرد.» او ۷ دانه برنج را در دیگ می‌ریزد و آب را تا سه بار عوض می‌کند تا برنج نرم شود. سپس با کفگیر چوبی به هر کودک یک قاشق می‌دهد و دستش را روی سر هر بچه می‌کشد و دعا می‌خواند.

این کار از ساعت ۶ صبح آغاز می‌شود و تا ساعت ۱۰ ادامه دارد. در این ساعات، بیش از ۴۲۰ کودک در صف ایستاده‌اند. برخی با کفش پلاستیکی، برخی با پای برهنه و برخی با پتوهای نظامی که روی شانه انداخته‌اند. یک پزشک محلی گفته است که بسیاری از این کودکان اگر این برنج را نخورند تا شب به سختی می‌رسند. او می‌گوید: «ما در بیمارستان هر روز ۳ کودک را می‌بینیم که از سرما و گرسنگی مرده‌اند. این زن با ۷ دانه برنج کاری می‌کند که ما با دارو نمی‌توانیم.» این پزشک نام خود را فاش نکرد زیرا می‌ترسد از کار اخراج شود.

هزینه این کار بسیار اندک است. بی‌بی گل‌اندام می‌گوید ماهانه حدود ۱۲ کیلو برنج، ۳ کیلو روغن و مقدار کمی نمک و ادویه لازم است. او این مواد را از پول فروش النگوهایش و کمک‌های همسایه‌ها تأمین می‌کند. یک همسایه که معلم است داوطلبانه حساب‌ها را می‌نویسد و هر ماه گزارشی کوتاه از تعداد کودکان و مصرف برنج می‌نویسد. این گزارش اکنون در یک پوشه قطور نگهداری می‌شود و شامل نام، سن و آدرس کودکان است.

اداره امور شهر کابل اعلام کرده است که از ماه بعد این کار را با کمک شهرداری ادامه خواهد داد و ۲ دیگ بزرگ برنج در دو نقطه دیگر شهر نیز راه‌اندازی خواهد شد. اما بی‌بی گل‌اندام می‌گوید او نمی‌خواهد کار از دستش گرفته شود و می‌ترسد اگر مسئولان کار را بگیرند، کودکان دوباره گرسنه بمانند. او پیشنهاد کرد که دولت به جای گرفتن کار، به او ۱۰ کیلو برنج و ۲ دیگ بدهد تا خودش ادامه دهد. این پیشنهاد هنوز پاسخ نگرفته است.

( ادامه مطلب در صفحهٔ ۱۸ )

## ۷ دانه برنج و مادر بیوه که صدها کودک گرسنه را از سرما نجات داد

**۱۸ زمستان ۳ دسامبر در هندوستان و افغانستان شدند برنج ۷ دانه برنج، داستان یک مادر بیوه که با پخش برنج پخته در کابل، صدها کودک گرسنه را از مرگ در سرما نجات داد**

نویسنده: مهتاب نورزاد

کابل – ۱۸ زمستان ۱۴۰۱ – ۳ دسامبر ۲۰۲۲: در حالی که دمای هوا در کابل به ۶ درجه سانتی‌گراد رسیده و برف نخستین کوه‌های اطراف شهر را پوشانده است، صدها کودک گرسنه در صف نانوایی‌ها ایستاده‌اند. در میان این صف، زنی ۶۲ ساله با چادر آبی و دستکش پاره ایستاده است. او هر روز ۷ دانه برنج را در دیگ بزرگ می‌پزد و به هر کودک یک قاشق برنج پخته می‌دهد. این زن می‌گوید نام او در شناسنامه «بی‌بی گل‌اندام» است و همسایه‌ها او را «مادر برنج» صدا می‌زنند.

بی‌بی گل‌اندام ۶۲ سال دارد و بیوه است. شوهرش در جنگ ۱۳۶۸ کشته شد و او با فروش النگوهایش توانست یک اتاق گلی در حاشیه شهر بخرد. او می‌گوید: «من سواد ندارم، اما می‌دانم گرسنگی چه می‌کند. دخترم در ۱۳۷۱ در راه مدرسه از سرما بیهوش شد و دیگر برنگشت. من قسم خوردم که هیچ مادری نباید بداند که بچه‌اش از سرما می‌میرد.» او ۷ دانه برنج را در دیگ می‌ریزد و آب را تا سه بار عوض می‌کند تا برنج نرم شود. سپس با کفگیر چوبی به هر کودک یک قاشق می‌دهد و دستش را روی سر هر بچه می‌کشد و دعا می‌خواند.

این کار از ساعت ۶ صبح آغاز می‌شود و تا ساعت ۱۰ ادامه دارد. در این ساعات، بیش از ۴۲۰ کودک در صف ایستاده‌اند. برخی با کفش پلاستیکی، برخی با پای برهنه و برخی با پتوهای نظامی که روی شانه انداخته‌اند. یک پزشک محلی گفته است که بسیاری از این کودکان اگر این برنج را نخورند تا شب به سختی می‌رسند. او می‌گوید: «ما در بیمارستان هر روز ۳ کودک را می‌بینیم که از سرما و گرسنگی مرده‌اند. این زن با ۷ دانه برنج کاری می‌کند که ما با دارو نمی‌توانیم.» این پزشک نام خود را فاش نکرد زیرا می‌ترسد از کار اخراج شود.

هزینه این کار بسیار اندک است. بی‌بی گل‌اندام می‌گوید ماهانه حدود ۱۲ کیلو برنج، ۳ کیلو روغن و مقدار کمی نمک و ادویه لازم است. او این مواد را از پول فروش النگوهایش و کمک‌های همسایه‌ها تأمین می‌کند. یک همسایه که معلم است داوطلبانه حساب‌ها را می‌نویسد و هر ماه گزارشی کوتاه از تعداد کودکان و مصرف برنج می‌نویسد. این گزارش اکنون در یک پوشه قطور نگهداری می‌شود و شامل نام، سن و آدرس کودکان است.

اداره امور شهر کابل اعلام کرده است که از ماه بعد این کار را با کمک شهرداری ادامه خواهد داد و ۲ دیگ بزرگ برنج در دو نقطه دیگر شهر نیز راه‌اندازی خواهد شد. اما بی‌بی گل‌اندام می‌گوید او نمی‌خواهد کار از دستش گرفته شود و می‌ترسد اگر مسئولان کار را بگیرند، کودکان دوباره گرسنه بمانند. او پیشنهاد کرد که دولت به جای گرفتن کار، به او ۱۰ کیلو برنج و ۲ دیگ بدهد تا خودش ادامه دهد. این پیشنهاد هنوز پاسخ نگرفته است.

( ادامه مطلب در صفحهٔ ۱۸ )